

بررسی تطبیقی نظریه ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج در فقه مذاهب اسلامی

احمد مرتاضی^۱، فهیمه امیری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۲)

چکیده

یکی از معاملات و عقود معین که امروزه در جامعه رواج دارد مضاربه است. مضاربه، عقدی است جایز که در فرآیند آن، شخصی با عنوان مالک، مبلغی را به دیگری که مضارب یا عامل نامیده می‌شود، تحویل می‌دهد تا با آن تجارت کند و سود حاصل را به نسبت سهام توافقی، بین خود تقسیم نمایند. از جمله مباحثی که در مضاربه وجود دارد اینکه، در موارد منتهی به سود، چنانچه سود، وجه نقد نبوده بلکه کالا باشد، در آن صورت آیا برای مالک، این حق وجود دارد که از مضارب بخواهد تا سود غیرنقدی را با انجام بیع و نظایر آن، تبدیل به پول کند و به جای کالا، پول تحویل نماید؟ در صورت استحقاق مضارب بر این مطالبه، آیا عامل، موظف است که تمام آن را نقد کند یا تنها نسبت به مقدار سرمایه اولیه، چنین تکلیفی بر عهده اوست؟ سوال دیگر اینکه، آیا در صورت عدم رضایت مالک بر تبدیل، آیا مضارب خودش حق دارد برای رسیدن به اهداف مدنظر، به‌ویژه در مواردی عدم سوددهی مضاربه، مالک سرمایه را به قبول درخواست تبدیل کالا به پول، ملزم سازد؟ بنابراین همه این پرسشها، در موارد عدم ترتب سود بر مضاربه نیز عیناً مطرح است. در همین راستا، مقاله حاضر در پی آن است که با تحلیل نظرات فقهای شیعه و سنی در این زمینه، ضرورت یا عدم ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج و فروعات مربوط به این مسئله را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: مضاربه، انضاض، ربح، تبدیل به پول، سود مضاربه، تبدیل سود.

۱. استادیار دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) / a.mortazi@tabrizu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز / fa.amiri1365@gmail.com

طرح مسئله

از جمله معاملات پرکاربرد در عصر کنونی، به‌ویژه در معاملات بانکی، مضاربه است که در آن یکی از طرفین قرارداد، عهده‌دار سرمایه اولیه و دیگری عهده‌دار کار با آن سرمایه می‌باشد و پس از اتمام عمل مورد نظر، سود حاصل، به تناسب سهم از پیش تعیین شده، میان آنها تقسیم می‌گردد. طبق موازین فقه امامیه و اهل سنت، این سرمایه اولیه حتماً می‌بایست در قالب پول رایج باشد که در دوران گذشته، بیشتر به شکل درهم و دینار بوده است (ابن-براج، ۱۴۰۶ق، ۴۶۰/۱؛ شیرازی، بی تا، ۲۲۶/۲؛ مرغینانی، بی تا، ۲۰۰/۳؛ ابن‌ضویان، ۱۴۰۹ق، ۴۰۰/۱؛ باجی، ۱۳۳۲ق، ۱۶۶/۵). حال باید توجه داشت که ماحصل معاملات مضارب از دو حالت کلی خارج نیست: اول اینکه، مضاربه، سودده باشد و دوم اینکه، سودی عائد طرفین نشود. فرض نخست نیز خود بر دو حالت قابل ترسیم است، یکم) اینکه، سود حاصل نیز پول باشد؛ و دوم) اینکه، سود، غیرنقدی و در قالب کالا باشد. در حالت یکم، بی‌تردید، چنانچه مضاربه به دلیلی مثل اتمام زمان قرارداد، فسخ یکی از طرفین یا انفساخ به سبب مرگ یا جنون عارضی یکی از آنها، منحل شود و به اتمام برسد در هر یک از این موارد، مالک می‌تواند سهم خود از سود را تصاحب کند و حتی اگر سودی هم عارض نشده بلکه همان سرمایه اولیه، به صورت پول نقد، موجود باشد، چنین عمل می‌کند. مسئله اصلی، تحلیل حکم فقهی حالت دوم است یعنی حالتی که در آن، مضاربه، منجر به سود شده و آن سود، غیرنقدی باشد به‌ویژه اینکه در این فرض، مسئله می‌تواند صور مختلفی پیدا کند. توضیح مطلب اینکه، اگر سود طبق حالت دوم، غیرنقدی باشد این سؤال مطرح می‌شود که آیا اساساً مضارب، ملزم است که آن را به پول رایج تبدیل نماید یا در صورت درخواست تبدیل از جانب مضارب، بر مالک سرمایه لازم است که نسبت به این درخواست شخص عامل، تمکین نماید؟ در صورت لزوم این کار بر مضارب، میزان ضروری برای انضاض یا همان تبدیل سود غیرنقدی به پول، کدام است؟ آیا او ملزم است کل سود غیرنقدی و کالایی را به پول تبدیل کند یا چنانچه تنها به میزان سرمایه اولیه، این کار صورت بپذیرد، کافی است و نسبت به مازاد بر آن، تکلیفی ندارد؟ هم‌چنین باید بررسی شود که این لزوم، تنها در فرض درخواست مالک، مطرح می‌شود یا بدون مطالبه او نیز، تبدیل مذکور، ضروری است؟ تحقیق حاضر، با روش توصیفی -

تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، در صدد تحلیل و بررسی این مسائل از منظر فقهای شیعه و سنی است.

معناشناسی انضاض

از نگاه لغوی، انضاض از ریشه «نضض» می‌باشد (فیومی، ۱۴۰۵ق، ۶۱۰/۲) و لغت‌دانان به تبدیل کردن کالا به پول نقد، انضاض می‌گویند. مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: «تبدیل کردن متاع به پول نقد را انضاض می‌گویند» (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۲۳۱/۴). در لسان العرب به معانی «درهم صامت، اظهار کردن، حاصل، اسم درهم و دینار در نزد اهل حجاز، تبدیل شدن متاع به عین» آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۳۷/۷) جوهری در بیان معنی واژه نض در کتاب الصحاح می‌نویسد: «نض الماء، یعنی آب به صورت کم کم جریان پیدا کرد، هم‌چنین اهل حجاز به درهم و دینار نض و ناض می‌گویند و به این خاطر به آن ناض می‌گویند که ابتدا جنس به صورت متاع بوده و سپس تبدیل به عین (طلا) شده است» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۱۱۰۷/۳). زبیدی نیز در کتاب تاج العروس، تعاریف مختلفی را برای نض بیان می‌دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰/۱۶۲-۱۶۱). بنابراین، تعریف مشترکی که در همه این منابع، از واژه «انضاض»، به چشم می‌خورد «تبدیل کردن کالا به پول نقد» می‌باشد که معنای متناسب با نظریه ضرورت تبدیل سود مضاربه به پول رایج نیز همین است.

در تبیین معنای اصطلاحی انضاض نیز باید گفت، بعضی از فقهای شیعه و سنی، آن را به معنای «نقد کردن کالا از طریق بیع و نظایر آن» می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۳۲۴/۱۹؛ عینی، ۱۴۲۰ق، ۷۷/۱۰؛ خن، ۱۴۱۳ق، ۷۹/۷). دسته‌ای دیگر معتقدند که: «منظور از انضاض این است که مال، به درهم و دینار تبدیل شود، همان‌گونه که اول بوده است» (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ۴۴۹؛ علیش، ۱۴۰۹ق، ۳۷۵/۷). برخی نیز از انضاض به تبدیل کردن کالا به درهم تعبیر کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۰/۲۱). حال باید گفت که چون انضاض حقیقت شرعیه یا متشرعه نبوده و بر حقیقت لغوی خود باقی است، از این رو باید تعریفی را برگزید که با تعریف لغوی آن سازگارتر است و آن عبارت است از: «تبدیل کالا به پول رایج».

دیدگاه‌های مختلف درباره عدم ضرورت یا ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج

فقهای شیعه و سنی دو دیدگاه کلی لزوم و عدم لزوم نقدکردن سرمایه یا سود تغییر یافته به کالا در فرآیند مضاربه را اظهار داشته و هر دو گروه، به ادله عقلی و نقلی استناد جسته‌اند. در ادامه، به نقد و بررسی استدلالی هریک از این نظرات پرداخته می‌شود.

۱. نظریه «عدم ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج» و ادله آن
گروهی از فقیهان، در قالب یک نظر کلی و فراگیر، معتقدند که چون ثبوت ولایت یک فرد بر دیگری و استحقاق او بر مطالبه یک چیز، برخلاف اصل است و دلیل خاص می‌طلبد از این رو، نه مالک می‌تواند از مضارب بخواهد که «سود غیرنقدی» و یا حتی در فرض عدم سوددهی مضاربه: «سرمایه اولیه تبدیل شده به کالا» را به نقد رایج، مبدل سازد و نه عامل می‌تواند پذیرش این امر یعنی انضاض را از مالک، مطالبه نماید و او را به پذیرش این تبدیل، ملزم سازد. در واقع، اصل بر عدم ثبوت چنین حق مطالبه‌ای بر هر کس بوده و ذمه افراد از قبول چنین درخواستی میراست خواه مضاربه، سودآور باشد یا نه (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۹۰/۲۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۶۷۶/۲؛ خوبی، ۱۴۰۹ق، ۱۴۹/۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ق، ۱۱۰).

برای مثال، چنانچه مضاربه منجر به سود نشده اما سرمایه تحویلی، در مرحله عمل، به کالا مبدل شده باشد و عامل با این توجیه که شاید نقد کردن آن منجر به این شود که فردی با قیمت بالاتر، آن را بخرد و در نتیجه، اندکی سود، عائد او شود؛ در صدد تبدیل خودسرانه سرمایه کالایی به پول برآید، حق چنین کاری را نخواهد داشت. پس، اگر عامل، علی‌رغم میل باطنی مالک، سرمایه غیرنقدی را پس از اتمام فرآیند مضاربه، به کمک فروش، تبدیل به پول نماید در آن صورت، مالک سرمایه اولیه این حق را دارد که بیع انجام گرفته را فسخ نماید چون معامله صورت گرفته، معامله فضولی محسوب می‌گردد. بنابراین، مطابق این دیدگاه، عملی کردن درخواست تبدیل از جانب عامل یا مالک، ضرورتی ندارد بلکه امری است اختیاری که درخواست‌شونده می‌تواند نسبت بدان تمکین نماید.

۲. نظریه «ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج» و ادله آن

این قسمت از تحقیق، عهده‌دار تحلیل ادله قائلین به ضرورت تبدیل سود مضاربه به پول رایج و اقوال مختلف در رابطه با میزان ضروری انضاض، است فارغ از اینکه زمان حصول ملکیت مضارب نسبت به سود را «پس از ظهور ربح» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۶/۳۷۴-۳۷۳؛ ابن منذر، ۱۴۰۸ق، ۲/۲۶۵؛ ابن مودود، ۱۴۲۶ق، ۳/۲۰) یا «پس از تقسیم سهام» (ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ۱۲/۳۳) و یا «پس از انضاض مال» (انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲/۳۸۸) بدانیم چرا که تحلیل هر یک از این نظرات و انتخاب نظر درست درباره زمان حصول ملکیت یادشده، خود، پژوهشی مستقل می‌طلبد که محور بحث در تحقیق حاضر نمی‌باشد. در همین راستا، ابتدا فرض عدم سوددهی مضاربه اما تغییر سرمایه نقدی به کالا و بعد از آن، فرض سوددهی غیرنقدی و ضرورت تبدیل آن دو به وجه نقد رایج، مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. فرض عدم سوددهی مضاربه و تغییر سرمایه نقدی به کالا

با توجه به اینکه در فرض عدم سوددهی، هر کدام طرفین مضاربه، می‌توانند با انگیزه‌های متفاوت، درخواست تبدیل سرمایه غیرنقدی به پول را مطرح نمایند و از این رو فرض مسئله به لحاظ هریک از طرفین، یعنی مالک و مضارب، به صورت مجزا طرح و بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. درخواست تبدیل از جانب مالک سرمایه

عده‌ای از فقهای امامیه با استناد به اطلاق حدیث علی الید و هم‌چنین با این استدلال که مضارب، سبب تغییر سرمایه نقدی به کالا شده است، بدین باور رسیده‌اند که مالک می‌تواند از عامل بخواهد که سرمایه تغییر یافته را نقد کند (حلی، ۱۴۱۳ق، ۲/۳۴۵). این حدیث، در برخی از منابع روایی شیعه و سنی، به طرق مختلف به صورت «علی الید ما أخذت حتی تؤدی»، آمده است (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ۱/۲۲۴؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۸/۵).

فقهای مذهب حنبلی و شافعی در قالب یک اعتقاد کلی، چنین اظهار داشته‌اند که چون عامل، برای انجام مضاربه، پول دریافت کرده بود پس، وظیفه دارد مال مأخوذه را به همان شکل، به مالک بازگرداند و از این رو، می‌بایست نسبت به درخواست مالک مبنی بر تبدیل

سود کالایی مضاربه به پول، تمکین نماید. حتی اگر مضاربه، سودده هم نباشد عامل می-بایست در صورت درخواست مالک، آن سرمایه نقدی تبدیل شده به کالا را به پول رایج، نقد کند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۵/۱۸۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۳/۵۲۱) زیرا بازگرداندن سرمایه به حالت پیشین و تبدیل آن به پول رایج، امر دشواری است که اگر انجام آن به خود مالک واگذار شود او را دچار مشقت می‌سازد (نوی، بی‌تا، ۴/۲۱۹).

در مقابل، گروهی با رد استدلال‌های فوق، نظریه عدم الزام تبدیل را صحیح دانسته‌اند. آنها معتقدند که مفاد حدیث علی‌الید این نیست که متصرف می‌بایست مال تغییر یافته‌ای را که تغییرات در آن، با اذن صاحب مال به وجود آمده، با شکل پیشین خود به مالک برگرداند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۶/۳۹۰) بلکه مفاد آن این است که مال امانتی مالک را در حدود اذنی که به او سپرده شده یا در صورتی که غصبی باشد، بازگرداند و در اینجا به اقتضای عقد مضاربه‌ای که بین طرفین بسته شده، مالک، اذن تبدیل و تغییر در مال مضاربه‌ای را به عامل، داده بوده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۳۲۸) و اساساً ادای دین و بازگرداندن آن، با پس دادن بدل هم‌ارزش نیز محقق می‌شود (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۰/۶۷۳).

این عده، دو دلیل دیگر، یعنی قاعده فقهی اقدام^۳ و اصل عملی برائت را نیز در تقویت دیدگاه دوم، مطرح ساخته‌اند. با این توضیح که تغییر حاصل در سرمایه و غیرنقدی شدن مال، ناشی از اقدام خود مالک مبنی بر سپردن مال مضاربه به عامل بوده و بنابراین، حق اجبار عامل به تبدیل سود غیرنقدی به پول را ندارد. زیرا هر کس به اختیار خود اقدام به کاری کند باید تبعات آن را نیز بپذیرد. هم‌چنین اصل بر برائت ذمه مضارب از انجام عمل تبرعی، پس از اتمام مضاربه است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۴/۳۸۳؛ بحرانی آل عصفور، بی-تا، ۱۲/۷۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۳۶).

۲-۱-۲. درخواست تبدیل از جانب مضارب

توضیح مطلب اینکه در این فرض، گرچه سودی عائد طرفین نشده اما چنانچه مضارب در صدد آن است که با نقد کردن سرمایه سودی به دست آورد، چون احتمال می‌دهد مشتری-

۳. منظور از قاعده اقدام این است که انسان، آگاهانه به ضرر خود اقدام کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق،

ای پیدا شود که آن را با قیمت بیشتری نسبت به ارزش قیمتی سرمایه اولیه از او بخرد، به همین خاطر از مالک درخواست می‌کند که علی‌رغم میل باطنی‌اش هم که شده، با نقد کردن آن توسط عامل، موافقت کند. در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که آیا مضارب حق چنین مطالبه‌ای از مالک را دارد تا به تبع آن، مالک سرمایه، ملزم به قبول درخواست او مبنی بر تبدیل به پول باشد؟ گروهی از فقهای شیعه و سنی در این فرض معتقدند که چنانچه احتمال سودبری، معقول بوده و بالفعل چنین مشتری‌ای وجود داشته باشد، در آن صورت این الزام، وجاهت شرعی دارد چون وجود بالفعل چنین خریداری، در حکم ظهور ربح است هرچند بالفعل، ظهور پیدا نکرده باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۸۳/۴؛ بحرانی آل عصفور، بی‌تا، ۷۱/۱۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۳۶؛ نووی، بی‌تا، ۲۱۹/۴). آنها معتقدند که اساساً نایست عدم ظهور ربح را همسان ظهور عدم ربح، قلمداد کرد و چون در فرض مذکور، احتمال عقلی سودبری و ظهور ربح، وجود دارد از این رو نایست همسان فرضی با آن برخورد شود که در آن، اطمینان به عدم سود، وجود داشته و قرائن، عدم ربح را نشان می‌دهد.

در مقابل، عده‌ای از ایشان (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۹۰/۲۶)، هیچ حقی را در فرض یادشده، برای مضارب قائل نیستند چرا که معتقدند طبق قواعد، کسی حق ندارد بدون اذن دیگری در مال او تصرف نماید و هم‌چنین از نظر عرف، وجود چنین مشتری‌ای در حکم ظهور، محسوب نمی‌شود چون معیار عرفی، آشکار شدن فعلی سود است نه ظهور فرضی و احتمالی آن. فقهای مذهب حنبلی نیز به طور کلی بر این باورند که اگر مضاربه منجر به سود نشود اما در فرآیند آن، سرمایه اولیه به کالا تغییر یافته باشد، در آن صورت عامل، نمی‌تواند علی‌رغم رضایت مالک، کالا را به پول تبدیل نماید، بدین دلیل که در فرض عدم سوددهی، مضارب، هیچ‌گونه حقی نسبت به مال مضاربه‌ای ندارد (ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۱۸۰/۵؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۵۲۱/۳).

۲-۲. فرض سوددهی مضاربه

با دقت در اینکه در فرض سوددهی مضاربه، این سود می‌تواند در همان مرحله اول، به شکل پول نقد باشد یا در قالب کالا و هم‌چنین در صورت غیرنقدی بودن، هریک از

طرفین از خواهان تبدیل آن به پول باشد؛ از این رو، فرض مسئله، به لحاظ هریک از این انحاء، به صورت مجزا بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. سوددهی نقدی مضاربه

در این حالت، بی‌تردید، چنانچه مضاربه به دلیلی مثل اتمام زمان قرارداد، فسخ یکی از طرفین یا انفساخ به سبب مرگ یا جنون عارضی یکی از آنها، منحل شود و به اتمام برسد در هر یک از این حالات، مالک می‌تواند سهم خود از سود را تصاحب کند. حتی اگر سودی هم عارض نشده بلکه همان سرمایه اولیه، به صورت پول نقد، موجود باشد، چنین عمل می‌کند.

۲-۲-۲. سوددهی غیرنقدی مضاربه

چنانچه عقد مضاربه منجر به سود کالایی شود، احتمال درخواست تبدیل آن کالا به پول، هم از جانب مالک و هم از طرف عامل وجود دارد. به همین سبب در ادامه، دیدگاه‌های مختلف فقهای اسلامی در این رابطه، طرح و بحث می‌شود.

۲-۲-۲-۱. درخواست تبدیل از جانب مالک

دسته‌ای از فقهای شیعه و سنی با استناد به چند دلیل، بر این باور شده‌اند که چنانچه مالک از مضارب بخواهد که کالای به‌دست‌آمده در فرآیند مضاربه را به پول تبدیل کند تا او بتواند سهم خود از سود را به صورت نقد، دریافت کند در آن صورت، عامل، ملزم به اجابت می‌شود. حنفیه و مالکیه نیز حق درخواست تبدیل سود کالایی به پول را برای مالک به رسمیت می‌شناسند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۸/۴۴۱؛ علیش، ۱۴۰۹ق، ۷/۳۷۵).

دلیل اول: اطلاق حدیث علی‌البد

هم‌چنان‌که پیشتر نیز مطرح شد، عده‌ای از فقها معتقدند که قاعده علی‌البد تصاحب مأذون مال غیر را نیز در بر می‌گیرد و اطلاق آن حاکی از این است که هرکس مال دیگری را در دست داشته باشد باید آن را به همان حالت پیشین به او بازگرداند هرچند این فرد، مضارب باشد (علامه حلی، ۱۳۱۴ق، ۲/۳۴۵؛ ابن سعیدحلی، ۱۴۰۵ق، ۳۱۵؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۵ق، ۵/۱۸۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۳/۵۲۱).

دلیل دوم: اقتضای استقرار ملکیت بر ظهور ریح

پاره‌ای از نویسندگان چنین استدلال می‌کنند که چون مطابق نظر مشهور فقهای شیعه و سنی، مضارب و عامل به محض ظهور ریح، مالک سهم خود از سود می‌شوند و اما این مالکیت، متزلزل بوده و برای استقرار، نیازمند طی مرحله انضاض یعنی تبدیل سود غیرنقدی به نقد رایج، است و استقرار ملکیت او متوقف بر این است که انضاض، واجب و ضروری باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۸۳/۴؛ بحرانی آل عصفور، بی‌تا، ۷۱/۱۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۳۶؛ ابن‌قدمه، ۱۴۰۵ق، ۱۸۰/۵؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۵۲۱/۳). سرخسی در این باره می‌نویسد: «اگر فردی چند سکه دینار را از بابت مضاربه به دیگری بدهد و پس از انجام عمل مورد نظر، درخواست تقسیم سهام را از عامل بنماید در این صورت، صاحب سرمایه می‌تواند از او بخواهد که سود غیرنقدی را به دینار مبدل ساخته و دینار به او تحویل دهد. البته می‌تواند مال دیگری هم‌ارزش با آن را به قیمت روز تقسیم هم، از او مطالبه کند. دلیل حق مطالبه نقد رایج، آن است که مضارب، در سود، شراکت دارد و سود فقط پس از بازگشت تمام و کمال سرمایه اولیه به مالک به همان شکل پیشین یا در قالب یک مال هم‌ارزش با سرمایه، بروز و ظهور پیدا می‌کند» (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ۱۶۶/۱۱).

دلیل سوم: سود مضاربه، محل جبران خسارات احتمالی

برخی از محققان چنین اذعان می‌دارند که: «تبدیل سود غیرنقدی به پول، در صورت درخواست عامل یا مضارب، واجب است چون سود، وقایه رأس المال هست و باید احراز شود که ضرر و خسارتی به وجود آمده یا نه تا در صورت خسران، جبران شود» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ۲۷۲). به عبارت دیگر، هرگاه عامل سرمایه اولیه را دریافت و با خرید و فروش در آن تصرف کند تا سودی حاصل شود، در این صورت، نمی‌تواند سهم خودش از سود را مالک شود مگر اینکه تمام آن متاع را نقد کند. پس از این کار هست که ابتدا مبلغ سرمایه به مالک بازگردانده شده و بعد، تقسیم عملی سهام، امکان‌پذیر می‌شود زیرا این احتمال وجود دارد که قبل از تقسیم مال، خسارتی به آن وارد شود و این خسارت، می‌بایست از محل سود، جبران می‌گردد و در شرکت ناشی از عقد مضاربه، سود، محافظ و نگهدارنده رأس‌المال است» (خن، ۱۴۱۳ق، ۷۹/۷). بنابراین برای اینکه از خسارت‌های احتمالی جلوگیری به عمل آید باید ابتدا، انضاض مال انجام شود.

دلیل چهارم: شرط بنایی بودن ضرورت تبدیل سود مضاربه به پول

مراد از شرط بنایی، این است که چیزی بدون تصریح در ضمن عقد و به صورت یک امر عرفی مسلم و به شکل قانون نانوشته، برای طرفین معامله، مشروط و جاافتاده باشد. به طور دقیقتر، در برخی موارد، معامله بر اساس یک شرطی منعقد می‌شود که در ضمن قرارداد بدان تصریح نشده بلکه نانوشته و پوشیده بوده و پابندی بدان برای طرفین، الزام-آور است. از نظر دسته‌ای از فقهای اسلامی، شرط بنایی حکم شرط مذکور در عقد را دارد و تخلف از آن جایز نیست (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۳۹۸/۱۰؛ خمینی، ۱۴۲۲ق، ۹۰/۲؛ خطاب، ۱۴۱۲ق، ۴۱۷/۴).

حال باید گفت، گروهی از فقیهان، بر این باورند که انضاض، به دلیل شرط بنایی، واجب است، به خصوص در مواردی که مالک، تخصص تبدیل سود کالایی به پول را نداشته باشد. اینان معتقدند از نظر عرف، وقتی کسی به عنوان عامل، با دیگری عهد می‌بندد که با پول دریافتی از وی، تجارت کند و سود حاصل را به قدر سهام، میان خود تقسیم کنند به ملازمه آن، این تعهد را هم به وی می‌دهد که پس از اتمام زمان مضاربه یا فسخ یا انفساخ آن، سرمایه اولیه را به همان حالت پیشین به او بازگرداند (گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ۲۲۵/۵؛ سبحانی، ۱۴۱۶ق، ۱۲۷). از منظر ایشان، هر مضاربی بنا بر عرف بازرگانان و تجار، خود به خود تعهد قطعی به تبدیل سود غیرنقدی به پول را در صورت درخواست مالک سرمایه، دارد و پابندی به این تعهد، بر او الزامی است.

در مقابل، گروهی با ادعای قابل نقد بودن استدلال‌های فوق، قول به عدم استحقاق درخواست تبدیل از جانب مالک سرمایه اولیه را برگزیده‌اند. اینان معتقدند که حدیث علی‌الید، مواردی را که فرد، با اختیار خود مالی را به دیگری سپرده، در بر نمی‌گیرد، ضمن اینکه تحویل بدل یک مال، نیز عرفاً ادای آن مال، محسوب می‌شود. هم‌چنین گفته می‌شود که هرچند ما «برای امکان پذیر شدن جبران خسارات احتمالی از بخش سود مضاربه»، تبدیل سود غیرنقدی به پول را جزو متمم مضاربه محسوب نداریم اما این امر، ملازمه‌ای با آن ندارد که انضاض را «به عنوان یک مرحله ضروری و لازم‌الاجرا» نیز متمم عقد مضاربه به حساب آوریم، بلکه باید بین او دو جهت، تفکیک قائل شد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۶۷۶/۲؛ خویی، ۱۴۰۹ق، ۱۴۹/۱). یعنی می‌توان انضاض را از جهت زمینه-سازی برای جبران خسارات احتمالی، علت تامه مضاربه دانست ولی در عین حال، به

عنوان یک مرحله اجباری و واجب، متمم مضاربه، لحاظ نکرد. پس می‌شود چنین گفت که تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول، به خاطر فقدان دلیل شرعی و عقلی، واجب و ضروری نیست اما در عین حال، چنانچه پس از انحلال قرارداد مضاربه و پیش از انقضاء، خسارتی به بارآمده باشد، از محل سود، جبران می‌شود. ضمن اینکه، اگر استقرار ملکیت طرفین مضاربه با تبدیل سود به پول، دلیل وجوب انقضاء قلمداد شود، در آن صورت، دور پیش می‌آید زیرا در این صورت، ضرورت تبدیل سود مضاربه به پول رایج، ناشی از قول به استقراریابی ملکیت ریح با انقضاء است و در حالی که قول به استقرار ملکیت با انقضاء نیز خود، مبتنی بر آن است که «انقضاء»، واجب باشد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ۳۰۹/۱۹).

۲-۲-۲-۲. درخواست تبدیل از جانب مضارب

اگر بعد از اینکه مضاربه، منتهی به سود شد، عامل، از مالک سرمایه بخواهد که به وی فرصتی جهت تبدیل سودکالایی به پول، بدهد، در خصوص استحقاق این مطالبه برای مضارب و ضرورت قبول آن بر مالک یا عدم آن، دو دیدگاه متفاوت از فقهای اسلامی ارائه شده است. عده‌ای از ایشان معتقدند به دلیل اینکه، در مضاربه، سلطه بر مال، به مالک تعلق دارد و مضارب، حق مطالبه سهم خود از سود و تقسیم سهام را دارد نه چیزی غیر از آن، از این رو، حق درخواست تبدیل به پول را برای مضارب، به رسمیت نمی‌شناسند هرچند عمل تبدیل، توسط خود عامل، انجام پذیرد (فیض کاشانی، بی تا، ۹۳/۳؛ بحرانی آل عصفور، بی تا، ۷۲/۱۲؛ خوبی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۴۹). از منظر فقه مالکیه، انقضاء یا همان تبدیل سود غیرنقدی به پول، جزو ضروری مضاربه است به نحوی که بدون طی این مرحله، مضاربه، رسماً به اتمام نمی‌رسد اما در عین حال، هیچ‌یک از طرفین، حق قانونی و شرعی مطالبه تبدیل زودهنگام سود به پول رایج را در اثنای مضاربه ندارد. یعنی، فقهای مالکی حق درخواست تبدیل سودکالایی به پول را برای هیچ‌یک از طرفین مضاربه، اعم از مالک و عامل، به رسمیت نمی‌شناسند. توضیح بیشتر اینکه، بر مبنای فقه مالکیه، مضاربه گرچه جزو عقود جایز است اما به محض اینکه مضارب شروع به کار کرد دیگر نمی‌تواند آن را فسخ نماید بلکه باید تا طی همه مراحل و در پایان، انقضاء یا همان تبدیل سرمایه کالایی به پول صبر کند و آن وقت فسخ، امکان‌پذیر می‌شود. بر این پایه،

چنانچه مثلاً مالک سرمایه در یک برهه از فرآیند زمانی مضاربه و قبل از اتمام، انضاض زودهنگام را از عامل، مطالبه کند وی ملزم به قبول این درخواست نبوده و اجبار او به تبدیل، وجاهت شرعی ندارد بلکه در چنین مواردی، فرد درخواست‌کننده، خواسته خود را نزد حاکم شرع، مطرح می‌سازد و وی نیز بر مبنای مصلحت، عمل می‌کند. بدین معنا که اگر مصلحت را در عدم تبدیل و به تأخیر انداختن تا زمان بالا رفتن قیمت‌ها ببیند، مطابق آن عمل می‌کند و برعکس (نفراوی ازهری، ۱۴۱۵ق، ۱۲۳/۲؛ علیش، ۱۴۰۹ق، ۳۷۵/۷؛ عبدری غرناطی، ۱۴۱۶ق، ۴۶۲/۷).

در مقابل، گروهی مثل فقهای حنبلی و شافعی بر این نظرند که چنانچه مضاربه منجر به سود غیرنقدی شده و عامل، قبول تبدیل آن به پول را از مالک مطالبه نماید، مالک ملزم به تمکین است یعنی مضارب، شرعاً و قانوناً چنین استحقاقی را دارد (ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۱۸۰/۵؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۵۲۱/۳؛ شیرازی، بی‌تا، ۲۲۶/۲؛ نووی، ۱۴۱۰ق، ۳۸۴/۱۴). فقهای حنفی هم بر این اعتقادند که مضاربه ماهیتاً نوعی وکالت توأم با شرکت است و از این رو مالک می‌تواند مضارب را از ادامه کار، برکنار و عزل نماید. اما در صورت عزل نیز مضارب می‌تواند علی‌رغم رضایت باطنی صاحب سرمایه، سود غیرنقدی را با انجام بیع به پول تبدیل نماید. بدین خاطر که عامل نسبت به ربح، حق دارد و سود با تقسیم سهام است که ظهور و بروز پیدا می‌کند و تقسیم نیز مبتنی بر این است که سرمایه اولیه با تبدیل شدن به پول، از قسمت سود خالص، جدا شود (بابرتی، بی‌تا، ۴۷۰/۸؛ مرغینانی، بی‌تا، ۲۰۰/۳). بنابراین برای رسیدن به هدف نهایی و تقسیم سهام و بهره‌مندی مضارب از سهم خویش، نقد کردن سود برای او مجاز است هرچند مالک با او موافق نباشد.

دیدگاه برگزیده: نظریه ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج، مبنای فقهی ندارد و حتی در صورت عدم سوددهی، چنانچه به هر دلیلی مضارب یا مالک، نقدشدن سرمایه اولیه تبدیل‌شده به کالا را مطالبه کند، قبول آن بر طرف دیگر، اختیاری است نه الزامی. زیرا دلیلی بر ثبوت ولایت مالک یا مضارب بر طرف مقابل در اجبار به پذیرش انضاض وجود ندارد و بنابراین، بر هیچ یک از طرفین مضاربه، قبول درخواست تبدیل به پول به هیچ وجه واجب و لازم نیست. اساساً، وقتی دلیل نقلی و عقلی بر وجوب قبول درخواست مالک وجود نداشته باشد اصل برائت جریان می‌یابد چون طبق موازین اصول فقه، در شبهات حکمیة وجوبیه، برائت جاری می‌شود. مگر اینکه در عرف تجارت یک

منطقه، چنین امری الزامی قلمداد شود که در آن صورت به دلیل اینکه همانند یک شرط بنایی به حساب می‌آید پذیرش آن ضروری و الزام‌آور است چرا که طبق نظر مشهور شرط بنایی شرطی همانند شرط صریح ضمن قرارداد محسوب می‌گردد.

میزان لازم جهت تبدیل سود غیرنقدی به پول

حال بنا بر نظریه ضرورت تبدیل سود غیرنقدی مضاربه به پول رایج، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که تبدیل چه مقدار از سود، رافع این تکلیف الزامی خواهد بود؟ آیا تبدیل به میزان سرمایه اولیه کفایت می‌کند یا تبدیل کل سود حاصل، الزامی است؟ در ادامه به طرح و بررسی دیدگاه‌های مختلف فقهای اسلامی در این باره پرداخته می‌شود.

۱. نظریه لزوم تبدیل به میزان سرمایه اولیه

از نگاه برخی از اندیشمندان، تبدیل سود غیرنقدی به پول رایج، تنها به میزان سرمایه اولیه لازم است و عامل مجبور نیست که حتی مقدار مازاد بر سرمایه را نیز نقد کند (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۵/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۸۵/۴). شاید دلیل این امر آن باشد که ضرورت انضاض به میزان سرمایه اولیه به خاطر این بود که مال تحویل داده شده به مضارب، به شکل پول نقد بوده و او هم ملزم به بازگرداندن همان مال است اما این ملاک، در مازاد بر سرمایه وجود ندارد چرا که پس از بازگرداندن مقدار سرمایه اولیه به مالک، طرفین مضاربه در مقدار بازمانده شریک می‌شوند و طبق ضوابط، هیچ شریکی نمی‌تواند شریک خود را به تبدیل جنس شراکتی به پول وادار سازد. مرحوم حلی در این باره می‌نویسد: «چنانچه مضارب، به میزان سرمایه اولیه، سود کالایی را به پول مبدل سازد و تحویل مالک نماید، در آن صورت مالک نمی‌تواند وی را مجبور سازد که این تبدیل را نسبت به مابقی هم انجام دهد بلکه در مقدار مازاد بر سرمایه که به صورت کالاست، شریک خواهند بود» (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۵۲/۲).

غزالی از فقهای مذهب شافعی در این مورد می‌نویسد: «اگر مضاربه سودی به همراه داشته باشد، عامل، مکلف است که به مقدار سرمایه اولیه، سود کالایی را تبدیل به پول کند. در آن صورت، نسبت به مابقی شریک خواهند بود اما نسبت به نقد کردن مازاد بر سرمایه تکلیفی ندارد و بدان ملزم نیست» (غزالی، ۱۴۱۷ق، ۱۲۷/۴).

۲. نظریه لزوم تبدیل کل سود ناخالص

در مقابل، از دیدگاه حنابله و مالکیه ضرورت انضاض، محدود به میزان سرمایه نیست بلکه اگر صاحب سرمایه، تبدیل کل سود را که بیش از سرمایه اولیه است، درخواست نماید در آن صورت، عامل ملزم می‌شود که مازاد بر سرمایه را نیز به پول رایج تبدیل نماید (بهوتی، ۱۴۰۲، ۳/۵۲۱؛ رجراجی، ۱۴۲۸، ۲/۲۶۰). دلیل این امر آن است که مالک، استحقاق دریافت سهم خود از سود مضاربه را دارد و این حق وقتی به او می‌رسد که سهم وی به نحوی تحویل او شود که قابل تقسیم و بهره‌وری اختصاصی باشد و این قابلیت جز با تبدیل سود غیرنقدی به نقد رایج ایجاد نمی‌شود (بهوتی، ۱۴۰۲، ۳/۵۲۱؛ سیوطی رحیبانی، ۱۴۱۵، ۳/۵۳۵).

باید توجه داشت که چنانچه بنا بر ضرورت تبدیل سود به پول باشد، این ضرورت فقط نسبت به میزان سرمایه اولیه، قابل توجیه است. زیرا هرچند مالک سرمایه شاید بتواند مدعی شود که به هنگام انعقاد قرارداد، وجه نقد به مضارب تحویل داده‌ام و پس از اتمام قرارداد هم نسبت به مقدار سرمایه، باید پول نقد بازگردانید؛ اما نسبت به مازاد بر سرمایه، اصلاً چنین حق مطالبه‌ای توجیه‌پذیر نیست بلکه تعهد عامل، انجام تجارت سودآور و تقسیم سود حاصل، به قدر سهام توافقی است و نه کاری بیش از آن.

نتیجه

فقه‌های شیعه و سنی دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص الزام یا عدم الزام طرفین مضاربه به تبدیل سود غیرنقدی به پول رایج اظهار داشته و همین اختلاف را در فرض منجر نشدن مضاربه به سود نیز ابراز کرده‌اند. گروهی از ایشان به طور کلی حق چنین مطالبه‌ای را برای هیچ یک از طرفین، اعم از مالک سرمایه و مضارب، قائل نشده و به دلیل فقدان دلیل شرعی و عقلی، اصل را بر براءت ذمه فرد درخواست‌شونده گذاشته‌اند. در مقابل، عده‌ای بین فرض سوددهی و عدم سوددهی مضاربه از یک سو و طرح درخواست تبدیل از جانب مالک و خود مضارب، از سوی دیگر، تفصیل داده و با تمسک به اطلاق قاعده علی‌البد و اقتضای اولیه عقد مضاربه و سایر ادله، آرای گوناگونی را مطرح ساخته‌اند. حتی طرفداران قول اخیر، در میزان ضروری تبدیل به پول نیز اتفاق نظر نداشته برخی تبدیل کل سود ناخالص و بعضی نیز تبدیل به میزان سرمایه اولیه را ضروری دانسته‌اند. یافته‌های تحقیق،

حاکمی از آن است که اگر طرفین مضاربه نسبت به ضرورت تبدیل سود غیرنقدی یا سرمایه‌ی نقدی تغییر یافته به کالا و همچنین مسئول اجرایی آن، توافق قبلی و ضمن عقد نداشته باشند، هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند دیگری را به پذیرش تبدیل سود به پول ملزم سازد. از آثار فقهی این نظریه آن است که اگر یکی از آنها بدون جلب رضایت دیگری، سودکالایی را برای تبدیل کردن به سود، بفروشد یا به نحو دیگری معامله کند، در آن صورت، معامله مذکور، فضولی محسوب شده و در نتیجه، طرف مقابل، حق فسخ آن را دارد. البته اگر ضرورت این تبدیل، یک امر عرفی بوده و بین تجار و افراد واقع در محل مضاربه، امری مسلم قلمداد شده باشد در آن صورت، نقذکردن سودکالایی، قالب شرط بنایی را به خود می‌گیرد که همسان شرط مصرح، پایبندی بدان بر مشروط‌علیه الزامی است.

فهرست منابع

- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی اللئالی العزیزیه*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، *البیان و التحصیل و الشرح و التوجیه و التعلیل فی مسائل المستخرجه*، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ابن سعید حلّی، یحیی بن احمد، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- ابن ضویان، ابراهیم بن محمد، *منار السبیل فی شرح الدلیل*، دمشق، المكتب الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المختار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- ابن منذر، محمد بن ابراهیم، *الإقناع*، بی جا، بی نا، ۱۴۰۸ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ابن مودود، عبدالله بن محمود، *الاختیار لتعلیل المختار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
- انصاری، زکریا بن محمد، *أسنى المطالب*، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۲ق.
- بابرتی، محمد بن محمد، *العنايه شرح الهدایه*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- باجی، سلیمان بن خلف، *المنتقى شرح الموطأ*، مصر، مطبعه السعاده، ۱۳۳۲ق.
- بحرانی آل عصفور، حسین بن محمد، *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*، قم، مجمع البحوث العلمیه، بی تا.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بهوتی، منصور بن یونس، *کشف القناع عن متن الإقناع*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق، *فقه الصادق علیه السلام*، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۲ق.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد بن محمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- خطاب، محمد بن محمد، *مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *قواعد الأحکام*، قم، حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
- خمینی، سید روح الله، *استفتاءات*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.

- خن، مصطفی، مصطفی بغا و علی شریجی، *الفقه المنهجی علی مذهب الشافعی*، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۳ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، *مبانی العروه الوثقی*، قم، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۹ق.
- رجراجی، علی بن سعید، *مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح المدونه و حل مشکلاتها*، بیروت، دارابن حزم، ۱۴۲۸ق.
- زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- سبحانی، جعفر، *نظام المضاربه فی الشریعه الإسلامیه العراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الأحکام*، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
- سیوطی رحیبانی، مصطفی بن سعد، *مطالب اولی النهی فی شرح غایه المنتهی*، دمشق، المكتب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *حاشیه شرائع الإسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
- همو، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- شیرازی، ابراهیم بن علی، *المهذب فی فقه الإمام الشافعی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- طباطبایی قمی، سید تقی، *الغایه التصوی فی التعليق علی العروه الوثقی - کتاب المضاربه*، قم، محلاتی، ۱۴۲۳ق.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم بن عبدالعظیم، *العروه الوثقی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
- عبدری غرناطی، محمد بن یوسف، *التاج و الإکلیل لمختصر خلیل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- علیش، محمد بن احمد، *منح الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- عینی، محمود بن احمد، *البنایه شرح الهدایه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- غزالی، محمد بن محمد، *الوسیط فی المذهب*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۱۷ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، *مفاتیح الشرائع*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.

- کاشف الغطاء، حسن، *أنوار الفقاهه - كتاب المضاربه*، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، *محشی العروه الوثقی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- مرغینانی، علی بن ابی بکر، *الهدایه فی شرح بدایه المبتدی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی-تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، *استفتاءات جدید*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، *فقه المضاربه*، قم، دانشگاه مفید، ۱۴۲۱ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- نفرای ازهری، احمد بن غانم، *الفواکه الدوانی علی رساله ابن ابی زید القيروانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المهدب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
- همو، *روضه الطالبین و عمدہ الفتین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.